



محمد قزوینی، ۱۲۸۳ شمسی

علامه محمد قزوینی؛

## پیشگام پژوهش‌های ادبی در ایران

به یادبود هفتاد و پنج سالگی در گذشت او



محمود نیکوبه

قصد سفر به آلمان می‌کند و توسط یکی از دوستان قدیمی خود آقای «حسین قلی نواب» که به سمت وزیر مختاری ایران در برلین تعیین شده بود، در سوم اکتبر ۱۹۱۵ میلادی (۱۲۹۴ خ) باتفاق اواز راه سویس وارد برلین می‌شود.

در آلمان قزوینی عضو کمیته ایرانی می‌شود که مجععی بود از وطن پرستان ایرانی که بر ضد دولت‌های روس و انگلیس و به نفع مصالح ملی ایران تلاش می‌کردند، قزوینی در این کمیته با افرادی چون سید حسن تقی زاده، ابراهیم پور داود، سید محمد علی جمال زاده، کاظم زاده ایرانشهر و دیگر افراد ایرانی همکاری می‌کرد و مقالاتی برای نشریه «کاوه» که به پایمردی تقی زاده منتشر می‌شد، می‌نگاشت.

زنده یاد سید حسن تقی زاده ضمن مقدمه خود بر مقاله ارسالی محمد قزوینی درباره رسم الخط نوشت:

«جناب ایشان از ابتدای تأسیس این روزنامه کمک علمی و فکری زیاد به کارکنان روزنامه کرده اند و مقالات و تحریراتی که در کاوه تا حال نوشته مانند سایر مقالات این روزنامه و بر طبق قاعده و رسم عمومی، بی امضا درج شده است. خصوصاً که از مقوله سیاسی و غیره بوده. (کاوه، شماره ۳۴، به نقل از نادره «کاران» ص ۹۲)

قزوینی در مدت اقامت در آلمان که در عین حال مرکز خاورشناسی و ایران شناسی محسوب می‌شد، با خاورشناسان بزرگ آلمان آشنا شد و با آنان به مبادله اطلاعات پرداخت و دایره محفوظات خود را غنی تر ساخت.

بر اثر این مراودات علمی قزوینی به چنان شهرتی دست یافت که مارکوارت یکی از خاورشناسان بزرگ آلمان در نامه ای به اداره نشریه «کاوه» نوشت: «ایرانی که باز ممکن است از آن دانشمندی مثل میرزا محمد خان قزوینی به وجود آید نخواهد مرد.» (پور داود، مقدمه بیست مقاله قزوینی، ۱۳۰۷).

قزوینی در برلین نگران وقفه در امر چاپ جلد سوم «تاریخ جهانگشا» بود که در اثر جنگ کارش ناتمام مانده بود و می‌بایست برای ادامه چاپ به پاریس سفر کند، اما باینکه جنگ پایان یافته بود، لیکن رفت و آمد بین کشورها به دشواری صورت می‌گرفت. در این بین از حسن اتفاق «محمد علی فروغی» یار دیرین او به سمت عضویت هیئت مأمورین ایرانی به پاریس آمد و در آن هنگام تسهیلات مسافرت قزوینی به پاریس را فراهم ساخت و او توانست بعد از چهار سال و نیم اقامت در برلین در ژانویه ۱۹۲۰ (میلادی ۱۲۹۹ خ) به پاریس برود.

قزوینی در مسافرت دوم خود به پاریس، در سن ۴۲ سالگی با خانمی ایتالیایی ازدواج کرد. وی در یادداشت‌های خود درباره تاریخ ازدواج خود می‌نویسد:

«عروسی شرعی اسلامی مادر محضر آقای کزازی در ۱۹ فوریه ۱۹۲۰ م که مطابق با ۲۹ (اسفند) ۱۲۹۸ شمسی بوده است.» (نامه‌های پاریس، ص ۳۸) و حاصل این پیوند دختری بود به نام «سوزان - ناهید» که در ۲۲ فوریه ۱۹۲۱ (سوم حوت ۱۲۹۹) در پاریس متولد شد. به خاطر شهرت فراوان قزوینی در بین خاورشناسان اروپایی و دانشمندان غربی، مدرسه السنه شرقی پاریس و کتابخانه ملی و کولژ دو فرانس مکرر از او درخواست می‌کردند که ضمن تابعیت فرانسه صاحب کرسی استادی شود، ولی او قبول نمی‌کرد، باین حال یک سال که او در پاریس (Edgard Blochet ۱۸۷۰-۱۹۳۷ م) به واسطه کسالت مزاج مجبور به استراحت بود او نیابتاً کارهای او را در دست گرفت. (قاسم غنی، یادداشت‌های غنی، جلد ۳).

در سال ۱۹۲۹ میلادی (۱۳۰۷ خ) کنگه بین المللی خاورشناسان در لندن منعقد شد و قزوینی به نمایندگی ایران در آن کنگه شرکت جست و یک هفته به لندن رفت.

دکتر قاسم غنی درباره شرکت قزوینی در این کنگه نوشت: «چندی بود که یکی از خاورشناسان عالی مقام را که نمایندگی یکی از دول دیگر را در آن کنگه داشت، در پاریس ملاقات کردم. در طی صحبت از جریان کنگه از قزوینی صحبت کرد و گفت: انسان به

آن در سال ۱۲۸۳ و چاپ دوم آن سال ۱۲۸۴ توسط نشر قطره انتشار یافت. و نیز بار دیگر با افزودن اضافاتی چند در سال ۱۳۹۶ توسط انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار در دو جلد انتشار و چاپ دوم آن در سال ۱۳۹۷ منتشر شده است. محمود نیکوبه / رشت - تیر ۱۴۰۳

\*\*\*

دانشمند گران مایه و محقق نستوه علامه محمد قزوینی در سال ۱۲۵۶ خورشیدی در یک خانواده اهل علم در محله دروازه قزوین تهران چشم به هستی گشود. وی در یادداشت‌های خود تاریخ تولد خود را ۲۲ حوت ۱۲۵۶ خورشیدی مطابق با ۱۵ مارس ۱۸۷۸ میلادی ذکر کرده است. (نامه‌های پاریس، از محمد قزوینی به سید حسن تقی زاده، به کوشش ایرج افشار، نشر قطره، تهران ۱۳۸۴، ص ۳۸) پدرش ملا عبدالوهاب از نویسندگان دانشنامه مشهور دوره قاجار موسوم به «نامه دانشوران» بود که در شناخت رجال علمی و ادبی خبره بود. قزوینی که در سایه تربیت چنان پدری بالیده بود، بزودی مشتاق علم آموزی گشت و با شوق و شیفیفتگی فراوان به کسب علم پرداخت. در آغاز زبان عربی و صرف و نحو را از پدر و حاج سید مصطفی قنات آبادی در مدرسه میرالممالک آموخت. و سپس نزد بزرگانی چون «حاج شیخ فضل الله نوری» که عنایت ویژه‌ای به او داشت و «حاج شیخ علی نوری» در مدرسه مروی فقه و فلسفه خواند و اصول فقه خارج را نزد «مرحوم آقا میرزا حسن آشتیانی» که در رشته خود اعجوبه‌ای بود تلمذ کرد و آنگاه از محضر دانشمند زمان «مرحوم حاج شیخ هادی نجم‌آبادی» و علامه «ادیب پیشاوری» استفاده‌های فراوان برد. در آن سال‌ها هر خرمینی خوشه‌ای چید و اوقات اش را یکسر صرف مطالعه و تحقیق کرد. در صرف و نحو عربی غرق می‌شد و درک مجلس ادیب پیشاوری را که در عربی دانی شهره بود، برای خود مایه خرسندی فراوان می‌یافت. آشنایی با خانواده فروغی برای او منشأ فواید بسیار شد. طلبه‌ای بود که نخستین خدمت در راه فرهنگ مملکت، همکاری در شرکت طبع کتاب به سرپرستی ذکا، الملک فروغی (پدر محمد علی فروغی) بود. بنا به نوشته زنده یاد استاد ایرج افشار «کارش در آن جا ترجمه از متون عربی بود و ماهی ۲۵ تومان اجرت کارش بود» (بخارا، شماره ۹۰، آذر-دی ۱۳۷۹).

دوستی او با محمد علی فروغی نیز از همان زمان آغاز شد، به طوری که او به فروغی عربی درس می‌داد و از او زبان فرانسه می‌آموخت. کتابی هم به نام «عجایب زمین و غرایب آسمان» از عربی به فارسی برای شرکت انتشاراتی پدر فروغی ترجمه کرد. (فصلنامه هستی، شماره ۱۳، بهار ۱۳۸۲).

### مسافرت به اروپا

در سال ۱۳۲۲ قمری (۱۲۸۲ خورشیدی) زمانی که قزوینی بیست و شش سال داشت به دعوت برادرش «احمد وهابی» که در لندن ظاهرابه شغل تجارت مشغول بود، برای دیدن کتابخانه‌های آنجا به انگلستان مسافرت کرد و در مدت دو سالی که در آنجا اقامت داشت ضمن استفاده از نسخ خطی کتابخانه‌های انگلیس، با خاورشناسان انگلیسی از جمله پروفیسور ادوارد براون آشنایی یافت.

دیدار و همکاری با براون راههای تازه‌ای در آفاق زندگی قزوینی گشود و او توانست ضمن فراگیری روش تحقیق فرنگیان در تصحیح و تحشیه متون، تحقیقات و مطالعات خود را نیز در زمینه ادبیات به چاپ و نشر برساند.

قزوینی پس از دو سال اقامت در انگلستان در سال ۱۲۸۴ خورشیدی به فرانسه رفت و هشت سال در آن دیار ماندگار شد. آن سال‌ها مقارن با نهضت مشروطه در ایران بود و قزوینی ضمن انجام مطالعات علمی فعالیت‌هایی نیز در حمایت از نهضت مشروطه انجام می‌داد.

باشعله ور شدن جنگ جهانی اول در اروپا، ماندن در فرانسه و کار در آنجا برای قزوینی سخت و دشوار می‌شود، از این نظر بناچار

آقای محمود نیکوبه از پژوهندگان ارجمند گیلان هستند و آثار ایشان درباره رشت و گیلان از منابع ارزشمند است. جدای از آن درباره بزرگان فرهنگ وطن آثار ارجمند نوشته یا گردآوری کرده اند. کتاب «نادره کاران» که محمود نیکوبه گردآوری کرده و مجموع نوشته‌های استاد ایرج افشار درباره نامداران فکر و تحقیق و قلم در ایران است، بسیار مورد استناد و موثق است. ایشان به مناسبت ششم خردادماه، که هفتاد و پنجمین سالگرد خاموشی علامه محمد قزوینی بود، مطلب مفصل و شیوایی برای ما ارسال کردند که منتظر فرصت بودیم و اینک بخش اول آن به نظر گرامی خوانندگان می‌رسد. از آقای نیکوبه درخواست شد شرحی در احوال و آثارشان بنویسند که در پی این جستار می‌خوانیم:

### چند خط در شرح احوال

محمود نیکوبه در سال ۱۳۲۹ در رشت چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشت به پایان رساند. از دوران دبستان با کتاب و مطبوعات آشنا شد به طوری که بیشتر از درس و مشق با آنها درمخور بود. سپس به نوشتن روی آورد و از نوجوانی در مطبوعات محلی گیلان مقالاتی در زمینه مسایل گیلان شناسی انتشار داد. از سال ۱۳۳۹ مقالاتی در زمینه نقد کتاب و زندگی و آثار پژوهشگران ایرانی در نشریاتی چون آیندگان، رودکی، نگین و مطبوعات دیگر به چاپ رساند.

در سال ۱۳۵۲ با قبولی در کنکور سراسری وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و بخاطر سابقه مطبوعاتی اش مورد توجه برخی از استادان دانشکده از جمله شفیع کدکنی، زرین کوب و اسلامی ندوشن واقع گردید. در سال دوم دانشکده بخاطر شرکت در تظاهرات دانشجویی بازداشت و به دو سال زندان محکوم شد و در دانشگاهی دیگر به کسب علم و تجربه پرداخت و بعد از آزادی از زندان به دانشگاه بازرگشت و به ادامه تحصیل پرداخت تا سرانجام در سال ۱۳۵۹ فارغ التحصیل شد.

چون در مدت تحصیل تعهد خدمت به آموزش و پرورش سپرده بود، برای استخدام به عنوان دبیر آموزشی به وزارت آموزش و پرورش مراجعه و با کمال تأسف توسط اداره کزینش وزارتخانه رد صلاحیت و بدان وسیله پاکسازی (یا به قول مرحوم مهندس بازرگان پاکرانی) قبل از استخدام شد.

به ناچار به دیار خود بازگشت و برای امرار معاش در شرکت‌های خصوصی با مدرک دبیر مشغول به کار گردید و هر وقت از جایی بیکار می‌شد، دست به دستفروشی می‌زد. این روال ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۳۹۰ بازنشسته شد.

در این مدت از معشوق اصلی خود یعنی پژوهش و نگارش غافل نبود، و در نشریاتی چون کلک، آدینه، آینده، کیهان فرهنگی و مطبوعات محلی گیلان در زمینه نقد کتاب‌های تحقیقی و بررسی آثار پژوهشگران ایرانی و نیز مسایل گیلان شناسی مقاله و مطلب می‌نوشت. فهرست برخی از مقالات او در فهرست‌های مقالات و اینترنت قابل مشاهده و دسترسی است.

از نیکوبه تاکنون کتاب‌های زیر به چاپ رسیده است:

۱- پور داود، پژوهنده روزگار نخست، رشت ۱۳۷۸.  
۲- از نقطه تا خط، مجموعه مقالات درباره نصرت رحمانی، رشت ۱۳۷۸

۳- رشت، شهر باران، رشت ۱۳۸۷.

۴- تاریخچه بلدیة رشت، از مشروطه تا ۱۳۲۰، رشت ۱۳۸۷.

۵- گیلان در سفرنامه‌های سیاحان خارجی، رشت ۱۳۸۶.

۶- امام‌مهرترین و شاخص‌ترین اثر نیکوبه کتاب نادره کاران مجموعه مقالات زنده یاد استاد ایرج افشار درباره نویسندگان و استادان درگذشته ایران از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۸۹ می‌باشد که چاپ اول